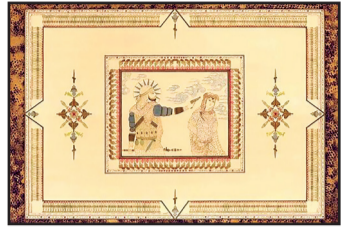


آثار فرح اصولی به استرالیارفت



دو تابلو از فرح اصولی که متعلق به مجموعه «فضیلت زخمی» هستند و در سال ۱۳۹۴ در گالری دستان + ۲ به نمایش درآمدند، توسط گالری هنر غرب استرالیا خریداری شد. به گزارش هنر آنلاین اصولی در این مجموعه با استفاده از تابلوهای مشهور تاریخ هنر و بازنمایی آن‌ها با مینیاتور ایرانی، آثاری در مذمت خشونت را به وجود آورده است. اگرچه فضای این آثار قدیمی هستند اما هنرمند به خشونت روزگار معاصر ارجاع داده است و در واقع ریشه شرایط امروزی را در این تابلوهای به قدمت تاریخ می‌داند. او خشونت را در کنار زیبایی و لطافت مینیاتور قرار داده است و با استفاده از عناصر موجود در مکاتب مختلف نگارگری، جامه‌ای نو بر تن خشونت دوخته است. در این آثار بیشتر شاهد اعمال خشونت بر زنان هستیم و با وجود زیبایی و لطافت فضا، رنگ‌ها، اشعار و ظرافت خطوط، هیچ راهی برای تلطیف این خشونت نیست. فرح اصولی پیش از این درباره آثار این مجموعه گفته بود: من وفاداری خاصی به مینیاتور ندارم و در هر دوره‌ای از آثارم آن طور که دوست داشته‌ام کار کرده‌ام. فیگور، تذهیب و خط، عناصری است که برای این مجموعه انتخاب کرده‌ام تا بتوانم خشونت را با آن‌ها به تصویر بکشم. به علاوه، در این مسیر آثار غربی به من کمک کرده‌اند تا آنچه می‌خواستم را بهتر بیان کنم و با آن‌ها به چیزهایی اشاره کنم که امروز در اطراف ما وجود دارد.

تخریب استودیوی یک منتقد دولت چین



«آی وی وی» - هنرمند سرشناس و از منتقدان اصلی دولت چین - ساز تخریب استودیو هنری خود در شهر پکن توسط مقامات چینی خبر داده. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، این هنرمند چینی با انتشار پیامی در صفحه اجتماعی خود از تخریب استودیو هنری خود در شهر پکن توسط مقامات چینی بدون هیچ هشدار قبلی خبر داد؛ استودیویی که پیش از این یک کارخانه خودروسازی بوده و از سال ۲۰۰۶ در اختیار «آی وی وی» و تیم او قرار گرفته است. وی همچنین با انتشار ویدئویی نشان داد اعضای تیم او در حال جمع‌آوری مجسمه‌ها و آثاری هستند که نتیجه سال‌های فعالیت وی بوده تا در حد ممکن از تخریب در امان بمانند. «آی وی وی» یکی از چهره‌های محبوب دولت چین بود و حتی طراحی استادیوم «آشیانه پرنده» به عنوان قلب و نماد المپیک ۲۰۰۸ چین را نیز بر عهده داشت اما پس از مدتی به ویژه بعد از زلزله مخرب در شرق استان سیچوان چین و مدفون شدن هزاران کودک در زیر آوار، به یکی از منتقدان اصلی حکومت چین تبدیل شد. وی به عنوان یک هنرمند معاصر، مجسمه‌ساز، معمار، عکاس، فیلم‌بردار و منتقد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و یک فعال سیاسی به شدت و آشکارا به انتقاد و مخالفت با موضع دولت چین در حیطه دموکراسی و حقوق بشر پرداخته است. «آی وی وی» در سال ۲۰۱۱ به مدت ۸۱ روز و به بهانه فرار مالیاتی به زندان رفت و با پرداخت جریمه ۲.۴ میلیون دلاری آزاد شد اما گذرنامه او برای چندین سال مصادره شد تا مانع از سفر وی شوند و در سال ۲۰۱۵ گذرنامه خود را پس گرفت و از آن زمان تاکنون به نوعی در تبعید در شهر برلین آلمان زندگی می‌کند. بسیاری از آثار هنری «آی وی وی» در استودیو واقع در پکن انبار شده بودند اما به سبب تخریب ناگهانی و بدون اطلاع آن اعضای تیم وی نتوانستند همه آثار را از آنجا خارج کنند و بسیاری از آثار در معرض خطر مستقیم قرار دارند.

زیبایی‌شناسی یک دوره تاریخی به روایت اول شخص

نمایشگاه چیدمان حجمی همایون برومندی در گالری ثالث

گالری ثالث از ۱۲ تا ۱۸ مرداد میزبان نمایشگاهی از آثار همایون برومندی شده است. برومندی دانش آموخته «مدرسه سینمایی ایدک» فرانسه، همچنین «آکادمی کار پنتیر» در رشته تبلیغات صنعتی است. این هنرمند متولد سال ۱۳۳۱ پس از سی و هفت سال فعالیت و تجربه در زمینه هنر و تبلیغات در ایران و فرانسه چند سالی است که در صدد عینیت بخشیدن به ایده‌های ذهنی خود بر آمده است. عنوان نمایشگاه حاضر او «همایونی» است که با الهام از نام خود هنرمند برای این مجموعه انتخاب شده است.



بهر روز فایقین

نمایشگاه چیدمان حجمی همایون برومندی در گالری ثالث روایتی چندگانه از زیبایی‌شناسی یک دوران تاریخی است. شانزده حجم تکرار شونده‌ای که او در جابه جای نمایشگاه چیدمان کرده در حقیقت سفری تصویری به جهانی آشنا را شکل می‌دهد که بعدی خاطره انگیز هم برای مخاطب ایرانی پیدا می‌کند. اشاره مشخص هنرمند در این مجموعه رونق هنر در ایران دوره قاجاری است که اشکالی رنگارنگ از زیبایی‌شناسی و ذوق هنری را بر جسته می‌کند. ایده اصلی هنرمند در این نمایشگاه روایت شخصی او از این رنگارنگی‌های هنر ایرانی است که اگرچه مدرنیسم بر آن سایه انداخته اما همچنان تماشایی و خاطره انگیز است. این سفری است که در حقیقت هنرمند پیش از ما آغاز کرده و حالا ما را هم به همراهی دعوت می‌کند. «همایونی» عنوان این نمایشگاه علاوه بر اینکه از نام هنرمند می‌آید، اشاره‌ای مشخص به لقب خاص شاهان قاجاری هم هست. حالا هنرمند در این نمایشگاه که قلمرو

هنر آفرینی او هم هست، اراده ملوکانه خود را در شانزده حجم یکسان اما در عین حال متفاوت به نمایش گذاشته است. حرف اول کلمه همایونی در اینجا با الهام از نام هنرمند به حجم‌هایی تبدیل شده و در هر قطعه از آثار این نمایشگاه به مخاطب یادآوری می‌کند که همه آنچه می‌بیند روایت هنرمند از خود و بخشی از خاطرات تصویری اوست.

به این ترتیب مخاطب نمایشگاه در پیچ و خم‌های گالری ثالث با روایت اول شخصی روبه‌رو می‌شود که او را به همراه شدن در خاطره‌هایی آشنا فراموش خوانند؛ جلوه‌هایی مختلف از رنگارنگی هنر که هر یک گوشه‌ای از خاطرات بیننده را باز زنده‌سازی می‌کند و عواطف او را بر می‌انگیزد. مخاطب با پیش رفتن و چرخیدن در فضای گالری با پازل‌هایی از یک جهان ذهنی رو به روی می‌شود که یک به یک احساسات تازه‌ای را در او بیدار می‌کند و در چله‌ای به خاطر آتش باز می‌کند. واضح است که در این سفر اگر چه هنرمند و مخاطب با یکدیگر همراه شده‌اند، اما هر کدام راه خود را می‌روند و دلمشغولی‌های خود را

می‌جویند. هنرمند در این جامه موفق می‌شود تا همزمان با اینکه سعی دارد توجه مخاطب را به زوایای مورد نظر خود در مواجهه با چهره‌هایی که خلق کرده جلب کند، این امکان را نیز فراهم آورد تا بیننده آثارش مجال گشت و گذار در خاطرات شخصی خود را هم بیابد؛ با این حساب نمایشگاه در نهایت هم می‌تواند روایت شخصی هنرمند از موضوع آثار به نمایش در آمده باشد و هم روایت شخصی هر کدام از مخاطبین را شکل دهد.

هنرمند در مجموعه‌ای که پیش روی مخاطب می‌گذارد جلوه‌های مختلفی از زیبایی‌شناسی هنر ایرانی را با او به اشتراک گذاشته است؛ از اینه کاری‌های معماری و کاشی‌کاری تا دست‌بافته‌هایی مثل قالی. هر کدام از حجم‌های شانزده گانه چیدمان شده در این نمایشگاه با یکی از جلوه‌های هنر ایرانی پوشیده شده و رویه‌رو شدن با هر یک از آن‌ها حسی متفاوت را هم در بیننده بر می‌انگیزد. هر چه در نمایشگاه پیشتر می‌رویم، این جلوه‌ها یک‌دیگر را تکمیل می‌کنند. از این جهت هنرمند موفق می‌شود تا چیدمان آثار را به مسیری دراماتیک و

آثار همایون برومندی

۱۲ تا ۱۷ مرداد ۹۷

انتخابه جمعه ۱۲ مرداد ساعت ۱۶ الی ۱۹
گالری هر روز از ساعت ۱۳ تا ۲۱ بازار است
خیابان حکیم‌مکان زندین پیرانشهر و ماهشهر شماره ۳۴
www.salesegallery.com salesegallery

وجود همسانی شکلی با دیگر حجم‌ها علاوه بر چنین جلوه‌هایی، بخشی دیگر از ایده هنرمند را نمایندگی می‌کنند. یکی از این‌ها حجمی است که به شکل صندوق‌های نقاشی لاک‌سنتی در آمده و مخاطب را دعوت می‌کند تا در آن را بگشاید؛ این تنها حجم نمایشگاه است که مخاطب را به تماشای وجه درونی این زیبایی‌ها ترغیب می‌کند و شاید هم نوید کشف احساس تازه‌ای را در او بیدار می‌کند؛ دعوتی برای خیره‌شدن و تعمق بیشتر در هسته این زیبایی‌های بصری.

و بالاخره حجمی دیگر که به شیوه مدرن غربی نقاشی شده اگرچه حضوری تا اندازه‌ای متفاوت در این مجموعه دارد، اما می‌تواند نماینده حضور هنرمند در این چیدمان باشد. این نقاشی رنگینی با قلم زدن‌های هیجانی است که تصویر یک چشم در آن به وضوح دیده می‌شود؛ شاید چشم هنرمند به عنوان دریافت‌کننده و باز تولیدکننده همه این زیبایی‌ها که به عنوان انسانی متعلق به عصر حاضر همه خاطر ازش را به تماشای نشسته و در عین حال به پاسداری از آن‌ها نشسته است.

انعکاس آن بر دیوارها و سقف گالری حسی آشنا از مکان‌هایی خاص را به ما یادآوری می‌کند. حجمی دیگر را کاشی‌های لعابی پوشانده است؛ حاشیه تذهیب و گل‌های اسلیمی همچون پیشانی ورودی معماری بر این کاشی‌ها نقش بسته و در بخشی از آن هم تصویری از ناصرالدین شاه را می‌بینیم. همینطور در ادامه مسیر حجم‌های دیگری می‌بینیم پوشیده با پارچه‌های نقش‌دار، و حجم‌های پتینه‌کاری شده؛ هر کدام یادآور بخشی از هنرهای سنتی ایران که باید خود به تماشای شان بنشینید. اما دو حجم در این چیدمان با

مخاطب با پیش رفتن و چرخیدن در فضای گالری با پازل‌هایی از یک جهان ذهنی رو به روی می‌شود که یک به یک احساسات تازه‌ای را در او بیدار می‌کند و در بیجه‌ای به خاطر آتش باز می‌کند



داده است؟ پاسخ این قضیه خیر است. به این دلیل که شکل ظاهری انسان به معنایی که به کلی تغییر کند ما به ازای تصویری ندارد. اما هنرمند در انتزاع و خیال خویش به آن می‌اندیشد که تصویر این انسان می‌تواند به چه شکل باشد؟ عکاس سعی می‌کند انسان‌شع شده در ذهن خود را به واسطه برهم زدن رابطه تصویری بین انسان و محیط پیرامونش و دست یافتن به تصویری نو و ناب به وجود بیاورد. این به وجود آوردن به واسطه تغییر نگاه عکاس شکل گرفته و ما را با یک تصویر جدید از خودمان یعنی انسان معاصر مواجه می‌کند. با توجه به این مسئله به نظر می‌رسد برخوردی انتزاعی با یک امر مستند به خلق تصویر مورد نظر هنرمند کمک کرده و هم زمان این برهم زدن رویکرد ثبت تصویر مستند امری قابل تامل و تفکر است.

دارد. واژه ترند به معنی روند، پروسه، استحاله و در معنی دیگر گرایش نیز می‌تواند تکمیل‌کننده این فرض باشد که انسان در یک روند پروسه‌گرایشی به سوی نوعی شیء شذگی دارد. شیء شذگی که خاصیت زندگی در جهان معاصر است. جایی که هر امری در آن دچار مصرف شده و به پایان می‌رسد. یعنی یک استحاله بنیادین در وجود انسانی. حال سوال اینجاست که آیا امکان این وجود داشت که بتوان با تصویری کاملاً مستند نگارانه این موضوع را که به واقع شکلی اجتماعی دارد به تصویر کشید؟ هنرمندان در به تصویر کشیدن یک واقعیت انتزاعی که به نوعی در ذهن ما در حال تکوین است دست به بهترین انتخاب زده‌اند. اگر ما بپذیریم که انسان در حال تبدیل شدن به یک شیء است و این فرض به مبنای یک تصویر واقعی باشد در عمل این چنین اتفاقی رخ

گالری گردی

انسان به سوی شیء وارگی

نگاهی به نمایشگاه عکس «ترند» در خانه هنرمندان ایران

علیرضا بخشی استوار

نمایشگاه عکس «ترند» با نمایشگاه گردانی کیارنگ علایی عکاس سرشناس اهل خراسان در نیمه نخست مرداد ماه در گالری بهار خانه هنرمندان ایران برگزار شد. عکس‌ها در این نمایشگاه به دو موضوع مصرف‌گرایی و تن‌آسایی پرداخته بودند. اگر چه به نظر می‌رسد این موضوع به رویکردی مستندنگارانه در ثبت تصویر سوق پیدا می‌کند اما هنرمندان این نمایشگاه شکلی انتزاعی را برای بیان موضوع تصویری خود در عکس انتخاب کرده بودند. این نوع انتخاب در نگاه نخست شاید انتخاب صحیحی به نظر نه آید. این هنرمندان با توجه به موضوع آثارشان که کیفیتی واقع‌گرایانه و مبتنی بر زندگی روزمره انسان دارد به پیدا کردن اشکال و فرم‌های انتزاعی دست زده‌اند که مانند یک هاله میان چشم مخاطب و موضوع عمل می‌کند. کشف این نکته که چه چیزی دارد در عکس روایت می‌شود در چنین شیوه‌ای سختی بیشتری را برای مخاطب به وجود می‌آورد. در پس این سختی مخاطب در ابتدای امر درگیر حس و زیبایی ظاهری عکس می‌شود و راه سخت‌تری برای مواجهه مستقیم با موضوع عکس در برابر او قرار دارد. عکاس در این روش می‌خواهد مخاطب را تحت تأثیر شوک تصویری حاصل از زیبایی‌شناسی فرمال و روابط هندسی تصویر قرار داده و از دریچه این زیبایی در سطحی که چشم

نواز است او را به تامل در لایه‌های دیگر تصویر فرا بخواند. البته این رویکرد با دیدگاهی کمینه‌گرا و مینیمالیستی که در آن جزئیات مختصر و مفید و به حد لازم ارائه می‌شود وجهی عمیق‌تر و ساده‌تر به خود گرفته و مخاطب را با سردرگمی کمتر در کشف روابط یک تصویر مواجه می‌کند. بیشتر تصاویر این نمایشگاه اگر چه شکلی انتزاعی دارند اما به واسطه همین دیدگاه کمینه‌گرا سهولت بیشتری را برای درک مخاطب فراهم می‌کند. با این اوصاف عکاس در پس این تجربه خود و با چالشی که برای مخاطب به وجود آورده است به دنبال چه امری بوده است؟ آیا قصد داشته که تصویر کلیشه‌شده در ذهن مخاطبش را نسبت به روابط تصویری در زندگی روزمره و اشیاء دچار دگرگونی کند یا با کم کردن فاصله تصویر انسان با شیء نگاه ثابت، شکل گرفته و منجمد انسان به خود و پیرامونش را به پرسش بگیرد؟ تصاویر انتزاعی که در این نمایشگاه روایتی مستند از زندگی مصرف‌زده انسان دارند مرز میان شیء با انسان را برداشته‌اند. در حقیقت این عکاس‌ها تلاش کرده‌اند تا با تغییر زاویه نگاه خود به پیرامونشان هویت جدیدی را برای انسان در قالب یک شیء تعریف کنند و به واسطه هنر عکاسی و درک فرم عکاسانه در سوزه خود پیکره جدیدی از انسان معاصر درگیر مصرف را به تصویر آورند. این استحاله به نوعی با دو معنی عنوان نمایشگاه نیز رابطه